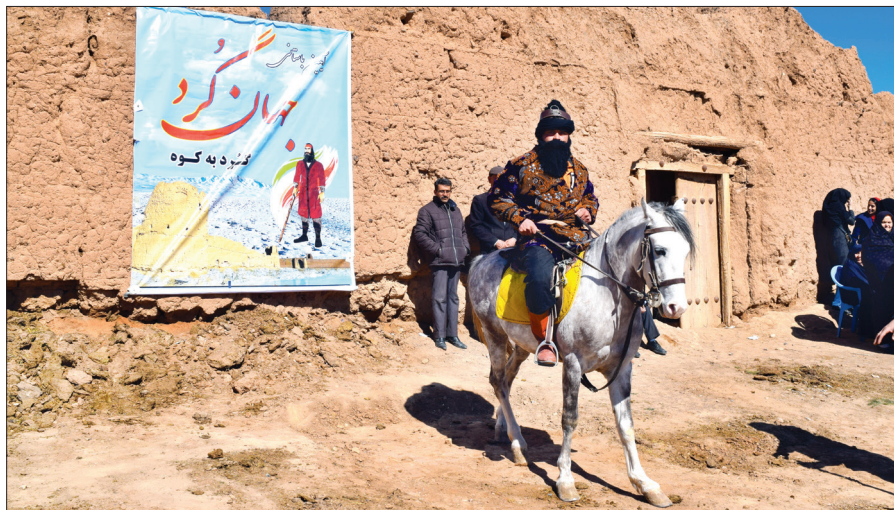


● جوان‌ها با جشن و پایکوبی، بازگشت جهان‌گرد را از کوه گرامی می‌دارند
● بازگشت جهان‌گرد، نمادی از پیروزی بر سرما و یخبندان است
● خانم‌های روستا برای سلامتی جهان‌گرد آتش پشت پا می‌پزند



جهان‌گرد نما خورشیدی است که به لطف خداوندگار مهربان، با گرمای خود در این روزها، زمین را به سوی گرما رهنمون می‌گردد

● جهان‌گرد پیروزمندانه باز می‌گردد

اهالی اندک اندک گرم شدن هوا را حس می‌کنند و شادمانند که جهان‌گرد پیروز میدان گشته است. آن‌ها خود را برای بازگشت پهلوان دلیرشان آماده می‌کنند. بساط پیشوازی را تدارک می‌بینند؛ نوازندگان، ساز و دهل کوک می‌کنند و جوانان بساط شادی را می‌گسترانند. جهان‌گرد هم از الوندکوه پایین آمده و راهی روستا می‌شود. در این میان باوری قدیمی وجود دارد که می‌گوید اگر در راه برگشت از کوه، پای رخس جهان‌گرد، به برف و آب برخورد کند، باید همچنان منتظر بارش برف و باران بود؛ اما اگر هم در این مسیر، پای رخسش به «چژه» (نوعی بوته خار) برخورد کند چند روزی وزش باد در انتظار مردم خواهد بود؛ و اگر پای اسب به «گون» برخورد کند، گرمای هوا محسوس‌تر از پیش خواهد شد.

سرانجام در روز پانزدهم، مردم به پیشواز گرد پیروزشان می‌روند. همگی در ورودی جنوبی روستا گرد هم می‌آیند و چشم به راهد تا جهان‌گرد برگردد. همه‌ای برپاست. هر کس، چیزی می‌گوید اما دلشان به آمدن پهلوان روشن است. از دامنه تپه‌های دور انگار جنبیده‌ای دیده می‌شود. جوانان روستا که کمی جلوتر رفته بودند، شادی کنان می‌آیند و پیام می‌آورند که ما جهان‌گرد را دیده‌ایم و او نزدیک روستاست. سر و کله جهان‌گرد پیدا شد، ساز و دهل بزنید، پای بکوبید که یلمان چه خوش آمد. اسپند را بیافروزد که گام‌هایش نیک است.

با رسیدن پهلوان به مردم، سکوت همه جا را فرا می‌گیرد. جهان‌گرد از اسبش پایین می‌آید و اهالی او را در آغوش می‌گیرند و او را درود می‌گویند، او به مردمش احترام گذاشته و همه با هم به درگاه ایزد یکتا سپاس می‌گویند. سپس بزن و بکوب، دوباره از سر گرفته می‌شود و جهان‌گرد به همراه اهالی به پایکوبی و شادمانی می‌پردازد؛ چرا که سرما سرانجام رفتنی شده است. گام‌های او نوید گرم شدن زمین و هوا را می‌دهد. حالا دیگر اندک اندک باید منتظر آب شدن برف‌ها و پایان یخبندان باشیم؛ گیاهان باید خود را آماده جوانه‌زدن کنند؛ چیزی تا بهار نمانده است...

سنگ‌نگاره‌های باستانی «تیمره» را در پیش می‌گیرد. پس از طی کیلومترها راه سخت، برفی و در هوای سرد، به کوه الوند تیمره می‌رسد و در غار کوچکی که با دیوارهای سنگی محصور شده است، آتراق می‌کند.

● نبرد جهان‌گرد و دیو سرما

پس از استراحت، او تا نهم بهمن ماه فرصت دارد تا خرمن بزرگی از هیزم گردآوری نماید و خود را آماده مبارزه با دیو سرما نماید. در این ایام، طول زمان روز بیشتر و بیشتر می‌شود. جهان‌گرد برای تهیه این خرمن از بوته‌های گون و خار خشک موجود در کوه کمک می‌گیرد. اهالی هم در هنگام راز و نیاز با پروردگار یکتا برای تندرستی و پیروزی جهان‌گرد دعا می‌کنند. آن‌ها از طولانی شدن سرما خسته شده‌اند و از خدا می‌خواهند تا هوا گرم‌تر شود و یخ و یخبندان پایان یابد.

سرانجام در روز دهم بهمن ماه، جهان‌گرد آتش بزرگ و باشکوه خود را در کوهستان می‌افروزد و دیو سرما که در اوج قدرت قرار دارد، وادار به گرنش می‌کند. برافروختن آتش نمادی از پیروزی گرما، بر دیو سرماست؛ همچنان که با افزایش طول روز، آهسته آهسته زمین نور بیشتری از خورشید می‌گیرد و گرم می‌شود.

اکنون جهان‌گرد سرافراز از شکست دیو سرما، نم نمک باید خود را آماده برگشت نماید. او که توانسته دیو سرما را به زیر بکشد، نماز سپاسگزاری به جای می‌آورد و دعا و نیایش می‌کند تا دیو سرما جان تازه‌ای نگیرد. جهان‌گرد نماد خورشیدی است که به لطف خداوندگار مهربان، با گرمای خود در این روزها، زمین را به سوی گرما رهنمون می‌گردد. او آتش گرما را چاق می‌کند تا دیو سرما، لاغر و ضعیف‌تر گردد و دیگر توان خودنمایی نداشته باشد.

در این روزها، هرگاه اهالی از شدت سرما خسته می‌شوند، با هم زمزمه می‌کنند:

ای آسمان آفتاب کن / برف و یخ‌ها را آب کن
زودتر بیا، جهان‌گرد / دل‌های ما را شاد کن

